



نام درس: دناى ادیب نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: مثنوی شوق برابری

مقطع: دبستان پایه: چهارم-پنجم-ششم





شوق برابری

نارونی بود به هندوستان

خاطرش از بندگی آزاد بود

نه غم آب و نه غم دانه داشت

نه گله‌ایش از فلک نیلفام

از همه بیگانه و از خویش نه

عاقبت، آن مرغک عزلت‌گزین

گفت، بهار است و همه دوستان

من نه بهار و نه خزان دیده‌ام

زاغچه‌ای داشت در آن آشیان

جایگش ایمن و آباد بود

بود گدا، دولت شاهانه داشت

نه غم صیاد و نه پروای دام

در دل خُردش، غم و تشویش نه

گشت بسی خسته و اندوهگین

رخت کشیدند سوی بوستان

خسته و فرسوده و رنجیده‌ام





ادامه

چند کنم خانه درین نارون

چند در این لانه، نشیمن کنم

نغمه زنم بر سر دیوار باغ

همنفس قمری و بلبل شوم

رفت به گلزار و به شاخی نشست

جمله، به سر چتر نگارین زده

زاغچه گردید گرفتارشان

باغ بکاوید و به هر سو شتافت

بست دو بر دم، یک دیگر به سر

چند برم حسرت باغ و چمن

خیزم و پرواز به گلشن کنم

خوش کنم از بوی ریاحین دماغ

شانه کش گیسوی سنبل شوم

دید خرامان دو سه طاوس مست

طعنه بصورت گری چین زده

خواست شود پیرو رفتارشان

تا دو سه دانه پر طاوس یافت

گفت، مرا کس شناسد دگر





ادامه

گشت دمم، چون پرم آراسته

زیور طاوس به سر بسته‌ام

بال بیاراست، پریدن گرفت

دید چو طاوس در آن خودپسند

گفت که ای زاغ سیه روزگار

زیور ما، روی تو نیکو نکرد

گرچه پر ما، همه پیرایه بود

سیر و خُرام تو، چه حاصل به باغ

هر چه کنی، هر چه ببندی به پر

کس نخريدست چنین خواسته

از پر زیباش به پر بسته‌ام

همره طاوس، چمیدن گرفت

بال و پر عاریتش را بکند

پرّ تو، خالی است ز نقش و نگار

ما و تو را هم سر و هم خو نکرد

لیک نه بهر تو فرومایه بود

زاغی و طاوس نماند به زاغ

گاهِ روش، تو دگری، ما دگر





شرح واژگان و دشواری ها

نارون: نام درختی

نیلفام: کبودرنگ

تشویش: اضطراب

خیزم: برخیزم-بلند شوم

نغمه زنم: آواز خوانم

خُرامان: با ناز راه رفتن

صورتگری: نقاشی

بکاوید: جست و جو کرد

زیور: زینت و زیبایی

عاریت: قرضی

فرومایه: پست و بی ارزش

نمآند: شبیه نیست

ایمن: دارای امنیت

فلک نیلفام: آسمان کبود

عزلت گزین: گوشه گیر

نشیمن: محل نشستن

ریاحین: گیاهان خوش بو

نگارین: پر نقش و نگار

طعنه به صورتگری چین زده: از نقاشی نقاشان چین هم زیباتر است.

شتافت: با سرعت رفت

چمیدن: با ناز راه رفتن

هم سر و هم خو: همانند هم-برابر

سیر: راه رفتن

گاه روش: هنگام رفتار

دولت: سعادت

پروا: ترس

رخت کشیدند: حرکت کردند

گلشن: گلستان

دماغ: مغز

طعنه زدن: کنایه زده

آراسته: زیبا

گرفت: شروع کرد

پیرایه: زینت و زیور

خرام: ناز کردن





درک مطلب

۱- چرا زاغ می خواست به طاووس شبیه باشد؟

۲- آیا تا به حال خواسته اید شبیه کس دیگری باشید؟ چه ویژگی او را دوست داشته اید؟

۳- داشتن الگو در زندگی چه تفاوتی با تقلید از دیگران دارد؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>